

ارزیابی میزان پاسخ‌دهندگی شاخص‌های اجتماعی، کارکردی و زیست‌محیطی پایداری در سنجش وضعیت و راهکارهایی محله‌های شهری؛ مورد کاوی: محله ده ونک، تهران

مصطفی بهزاد فر - استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران
فاطمه فتوحی اهل* - دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران
پریا عبدالحسین زاده - دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۱

چکیده

ناپایداری یکی از مشکلات باهمستان‌های ایران، به‌ویژه در سطح محله است. مشکل اساسی‌تری بر این مشکل سایه افکنده است. واقعیت این است که چارچوب سنجش شده‌ای برای شناخت ناپایداری و راهکارهایی آن در دانش بومی شده ایران وجود ندارد. هدف پایه این پژوهش تدوین یا ترسیم چارچوبی است که ضمن روشن نمودن مفاهیم پایه پایداری، متغیرهای محیطی، هنجارهای کلی و شاخص‌های عینی سنجش وضعیت در عمل را برای موقعیت محلی ایران روشن کند. مخصوصاً، اینکه در زمینه فهم سازه‌های پایه و هنجارهای مقوله پایداری به‌مثابه یک مفهوم کیفیت محیطی ابهام زیادی وجود دارد. با این هدف، ابتدا عوامل کلیدی مفهوم پایداری متضمن اجتماع، اقتصاد، محیط‌زیست و مدیریت شناسایی شده‌اند. در ادامه برای سپردن جریان سنجش به فرآیند مورد کاوی ضروری بود تا شاخص‌ها و سنجه‌های مربوطه معلوم شود. با استناد به این سنجه‌ها از طریق یک فرایند مورد کاوی میزان پاسخ‌دهندگی سنجه‌های برگرفته‌شده برای ارزیابی وضعیت با میانجی سه نمایانگر اصلی مکان شامل اجتماع، کارکرد و زیست‌محیطی با تکیه مطالعات میدانی محله ده ونک مورد بررسی قرار گیرد. رویکرد عام در این پژوهش، آمیخته (مختلط) است. از این رو، پس از مطالعه ادبیات در حوزه‌های مورد نظر پژوهش حاضر به بررسی میدانی در محله ده ونک تهران با استفاده از شیوه‌های مشاهده مستقیم عمیق و مصاحبه، به سؤالات مطرح‌شده درباره کارایی سنجه‌ها پاسخ‌داده شده است. جهت سنجش میزان مطلوبیت سنجه‌ها نیز، از آزمون بررسی وضع موجود با توجه به حد متوسط هر سنجه (آزمون T) و نرم‌افزار SPSS استفاده شد. نتایج به‌دست‌آمده بیانگر این است که میزان مطلوبیت همه‌ی شاخص‌های استخراج‌شده به‌استثنای دو شاخص سبزی‌نگی و تعلق خاطر نامناسب می‌باشد. درنهایت، راهکارهایی نیز در جهت پایداری آتی محله ارائه شده است.

واژگان کلیدی: محله پایدار، عدالت اجتماعی، رونق اقتصادی، یکپارچگی زیست‌محیطی، محله ده ونک

مقدمه

محله به‌عنوان یکی از ارکان کالبدی شهر نقش مهمی در تعادل زندگی اجتماعی باهمستان‌ها دارد. زندگی محله‌های مسکونی به پایداری در ابعاد مختلف اعم از مدیریتی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی بستگی دارد. فرایند سازندگی پایدار دربرگیرنده ارتقاء کیفیت‌هایی چون، رونق اقتصادی، عدالت اجتماعی و یکپارچگی زیست‌محیطی است که اعضای اجتماع‌های محلی را به تولید و باز ساخت زندگی هدفمند سوق می‌دهد. هنجارهایی همچون انسجام مدیریتی، اعتماد، صداقت، روحیه همکاری، تمایل به حضور در عرصه‌های مدنی و تلاش برای توسعه از منظر پایداری شهری می‌تواند در محله تبلور فضایی یابد. محله‌های شهری به‌مثابه کوچک‌ترین واحدهای اجتماعی سطح محلی، می‌توانند در تبلور مکانی این هنجارها نقش کلیدی داشته باشند. یک محله پایدار دربرگیرنده محدوده‌ای از شهر و جمعیت آن است؛ که نیازهای متنوع نظیر آرامش در زندگی، بهره‌گیری از فرصت‌های شغلی، برخورداری از کیفیت محیطی پاسخ‌ده، تعاملات اجتماعی، افتخار نسبت به هویت رقابتی محل سکونت در آنجا قابل برآورده شدن است. چنانچه قسمت اعظم محلات یک باهمستان شهری از نظر پایداری واجد مطلوبیت شوند پایداری یکان مستقل شهر نیز امکان‌پذیر می‌شود. بسیاری از محله‌ها در گذشته به‌صورت خودکفا عمل می‌کرده‌اند و نیازهای ساکنین را تأمین می‌کردند، امری که در مورد محله‌های کنونی مصداق ندارد. آنچه در مورد وضعیت محله‌های کنونی در ایران دیده می‌شود، از بین رفتن حس تعلق، احساس بیگانگی با سایر ساکنین، سیمای کالبدی آشفته، تعرض اتومبیل به کوچه‌های محلی، افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی، محو شدن کاربری‌ها و خدمات تفریحی مانند پارک‌های محلی و انبوهی از مشکلات در زمینه‌های مختلف است. محله ده ونک تهران مکانی است که علیرغم برخورداری از قابلیت‌های کارکردی، زیست‌محیطی و اجتماعی دیگر برای پایدار ماندن یا پایدار شدن به‌سوی ناپایداری میل کرده است. بنابراین بدیهی است که هدف کلی تحقیق می‌باید فهم چگونگی بازگرداندن حس تعلق، تعدیل ناهنجاری‌های اجتماعی، بازیابی کاربری‌ها و خدمات اجتماع‌پذیر در محلات ایرانی باشد. هدف مورد کاوی آن است که ویژگی‌های کنونی ده ونک با تکیه بر اهداف یاد شده ارتقاء پیدا کند. این پژوهش در نظر دارد تا با بررسی تحلیلی معیارهای کارکردی، اجتماعی، زیست‌محیطی محله مذکور به فهم ارتباط و همبستگی جامع‌تری در خصوص اثرات این متغیرهای محیطی در ارتقاء پایداری کالبدی محله ده ونک دست یابد. رویکرد غالب پژوهش برای فهم ویژگی‌هایی که متغیرهای محله پایدار را معلوم کند کیفی است. زیرا معیارها و هنجارهایی همانند امنیت، تعلق خاطر، اجتماع‌پذیری، عدالت اجتماعی که برای سنجش وضعیت ده ونک انتخاب شده‌اند از کیفیت‌های محیطی مکان محسوب می‌شوند. اما از آنجاکه مجموعه آگاهی‌ها و داده‌های محیطی ترکیبی از آگاهی‌های کمی و کیفی را در باب پایداری محله رقم می‌زنند، می‌توان رویکرد عام پژوهش را آمیخته دانست. داده‌های کمی نیز در دو زمینه استفاده می‌شوند. اول برای مطالعات فراگیر موجود، دوم فهرست برداری از مشهودات محیطی. در مرحله داده‌پردازی نه‌تنها از مشاهدات عمیق مستقیم بهره گرفته می‌شود، بلکه از چک‌لیست و پرسشنامه نیز کمک گرفته شد. سؤالات پرسشنامه نیز با مدل آزمون T و نرم‌افزار SPSS بررسی و مورد توصیف و تحلیل قرار گرفت. آگاهی برآمده از تحلیل داده‌های میدانی نشان می‌دهد که محله ده ونک، باوجود این‌که قرار گرفتن در گرداب ناپایداری شهر تهران قابلیت‌های زیادی برای بازگشایی راه پایداری دارد. متغیرها، معیارها و شاخص‌هایی که موردسنجش قرار گرفته‌اند، از یک‌طرف ضعف پایداری را گوشزد نموده‌اند و از طرف دیگر فرصت‌های موجود زیادی را یادآوری کردند. پژوهش پیش‌رو در آغاز هیچ برنامه‌ای برای راهبرد سازی و برنامه‌گزینی برای سازندگی پایدار محله ده ونک نداشت. در جریان مطالعات پایه معلوم شد که محله ده ونک میدان مناسبی برای مورد کاوی درباره سازندگی پایدار محله است، لذا، چارچوب سازی نمونه‌ای برای مطالعات سطح محله هدف پایه پژوهش بود. مع‌هذا، در انتها به راهبردهایی ختم شد که قدری از آن در گفتار پسین بیان می‌شود.

پایه‌های نظری

پایداری

پایداری^۱ از سال ۱۲۹۰ میلادی در فرهنگ واژگان زبان انگلیسی به کار گرفته شده است، و از ریشه لاتین Sustain بوده و به‌طور تحت‌اللفظی معادل فعل «نگه‌داشتن» و یا «نگهداری کردن» است. لیکن، در چند دهه اخیر واژه «پایداری» با معنی کنونی آن یعنی «آنچه که می‌تواند در آینده تداوم یابد» کاربرد پیدا کرده است. پیدایش مفهوم پایداری در دهه ۱۹۷۰ را می‌توان نتیجه رشد منطقی آگاهی تازه‌ای نسبت به مسائل جهانی محیط‌زیست و توسعه دانست که به نوبه خود تحت تأثیر عواملی همچون نهضت‌های زیست‌محیطی دهه ۱۳۶۰ میلادی، انتشار کتاب‌هایی نظیر محدودیت‌های رشد و اولین کنفرانس سازمان ملل در مورد محیط‌زیست و توسعه که در سال ۱۹۷۲ استکهلم برگزار شد قرار گرفته بود. رویکردهای متنوعی در تعریف پایداری وجود دارد و گروه‌های مختلف، از دیدگاه‌های خود سعی در ارائه تصویر آشکاری در پایداری دارند. اما تمامی این تعاریف در سه مورد زیر اتفاق نظر دارند (مفیدی، ۱۳۹۵: ۱۸۷).

- زندگی با محدودیت‌های منطقی

- درک و فهم ارتباط متقابل بین اقتصاد، جامعه و محیط‌زیست

- توزیع منصفانه منابع و فرصت‌های زندگی

مع‌هذا، پایداری یک واژه ارزشی و هنجاری است که بر جریان و روند زندگی سالم، پویا، متعادل و رضایت‌بخش مردم از گذشته تا آینده دلالت می‌کند.

سازندگی پایدار و تعاریف آن

واژه سازندگی پایدار از اواسط دهه ۱۳۷۰ میلادی و پس از بحران نفتی سال ۱۹۷۳، بسیار به کاررفته است. از این دهه توسعه پایدار به‌عنوان بنیان و اساس فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی موردتوجه قرار گرفته است. در سال ۱۹۸۷ با انتشار گزارش کمیسیون جهانی توسعه و محیط‌زیست سازمان ملل به نام، «آینده مشترک ما»، مفهوم واقعی دستیابی به پایداری به جریان اصلی تفکرات اقتصادی و زیست‌محیطی تبدیل شد. این نوشتار که به «گزارش کمیسیون برانت لندن» مشهور است، به نام ریاست کمیسیون، نخست وزیر نروژ، "گروهارلم برانت‌اند"، نام‌گذاری شده است. این نخستین تلاش عمده و مشترک بین‌المللی برای طرح و معرفی مفهوم توسعه پایدار در جریان‌ات اصلی تفکر سیاسی بود. همچنین نخستین تعریف وسیع‌کاربردی برای توسعه یا سازندگی پایدار که به‌صورت متداول در جهان به کار می‌رود را ارائه کرد: توسعه‌ای که بدون لطمه زدن به توانایی نسل‌های آینده در مواجهه با نیازهایشان، نیازهای کنونی را برآورده می‌کند (کریزک و پاور، ۱۳۹۲: ۱۷).

به‌طور کلی، می‌توان مجموعه‌ای از تعاریف مطرح‌شده در خصوص سازندگی پایدار را به شرح ذیل ارائه کرد:

۱- پاسخگویی به نیازهای نسل‌های آینده (تأمین نیازهای کنونی بدون اثر منفی بر نسل‌های آینده).

۲- توجه به ظرفیت قابل تحمل اکوسیستم‌ها (بهبود کیفیت زندگی بشر همراه با توجه به ظرفیت اکوسیستم حمایت‌کننده).

۳- حفظ ثروت و سرمایه طبیعی (حفاظت از منابع طبیعی به‌عنوان دارایی‌های زیست‌محیطی)

۴- نگهداری و ارتقاء سیستم‌ها (همراه با نگهداری و ارتقاء سطح کلی تنوع و تولید).

۵- بدتر نکردن (هر تغییر مثبت نباید سیستم‌های اکولوژیکی و اجتماعی را فرسوده و یا نابود کند).

۶- پایدار کردن زندگی بشر (حفظ توان سیستم برای پایدار کردن زندگی مردم).

۷- حفاظت از محیط‌زیست (مراقبت هم‌زمان در نوسازی و بهسازی).

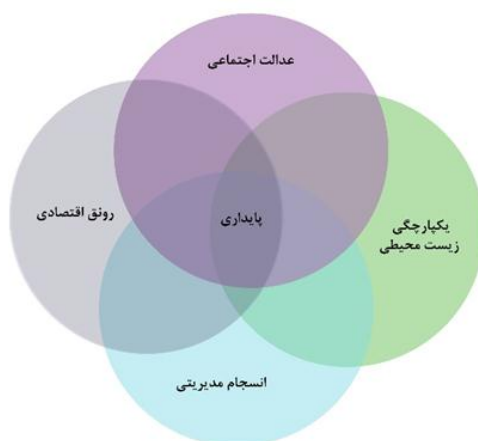
^۱Sustainable

^۲این نویسندگان معمولاً از واژه‌ی فارسی «سازندگی» به جای توسعه، به مثابه معادلی برای Development استفاده می‌کنند.

۸- یکپارچه کردن حفاظت و توسعه به‌عنوان رویکرد کلی (رضایتمندی در تأمین نیازهای اساسی و اجتماعی انسان، نیل به عدالت اجتماعی، محافظت از یکپارچگی اکولوژیکی) (عزیزی، ۱۳۸۵: ۳۶).

هرچند برخی از نویسندگان در بیان ویژگی‌های سازندگی پایدار بعد زیست‌محیطی را پررنگ‌تر نمودند، اما این مفهوم یک واقعیت جریان ساز محیطی چند بعدی است. جاری شدن پایداری در سازندگی از روندهای مختلف و متعادل‌ی تبعیت می‌کند که محیط‌زیست یکی از آنها است. کریزک و پاور به‌عنوان اولین شهرسازانی که به سفارش انجمن شهرسازان آمریکا (A.P.A) مفهوم یادشده را در این حرفه - دانش تعیین کرده‌اند، آن را واجد سه بعد اجتماعی، زیست‌محیطی، و اقتصادی دانسته‌اند. مع‌هذا، در طول سه دهه گذشته، طی مباحث مختلف بعد مدیریتی نیز به آن اضافه‌شده است. بنابراین، سازندگی پایداری را می‌توان به مفهوم‌واره چهار بعدی دانست. با توجه به مجموعه مطالب یادشده تعاریف پایه و مفهوم واژه پایداری از نظر این نویسندگان به ترتیب زیر است:

پایداری بر فرایندها، روندها مبتنی است، که آثار سازندگی آن برای همه نسل‌ها اعم از حال و آینده دوام و ماندگاری دارد. با توجه به این تعریف و تبیین چهار عامل یادشده، چهار مفهوم ارزشی یا هنجاری متضمن عدالت اجتماعی^۱، رونق اقتصادی^۲، یکپارچگی زیست‌محیطی^۳ و انسجام مدیریتی^۴ بر مفهوم جامع پایداری در شهرسازی مترتب می‌شود.



شکل ۱- ابعاد سازندگی پایداری

محله پایدار

محله کوچک‌ترین واحد اجتماعی یک باهمستان است. به نظر می‌آید محله با دیدگاه‌های متعددی موردتوجه متخصصین قرار گرفته است. گروهی آن را انعکاس هم‌پیوندی جامعه در واحد مکان می‌دانند، به‌طور مثال امیلی تلم در نوشتاری آماده چاپ دربارهٔ محله شهری ضمن تأکید بر تنوع ویژگی‌های محله شهری در تنوعی از فرهنگ‌ها، منطقه‌ها و سرزمین‌ها، آن‌ها را کانون و محور عملیاتی و تکنیکی پرداختن طراحی منجر به ارتقاء کیفیت زندگی جمعی می‌داند.^۵

کوز ادعان دارد که محله جایی است که از نظر کالبدی، اجتماع را در فضای بزرگ‌تر شهری محدود می‌کند. محله‌ها اغلب اجتماعات مربوط به جامعه هستند که اعضای آن به شکل ملموسی باهم ارتباطات چهره به چهره دارند. لوییس مامفورد محلهٔ شهرهای قبل از صنعتی شدن را چنین تعریف می‌کند: «محله‌ها در وهله اول، نمونه‌ای برای زندگی کردن افراد هستند آنگاه که در میان کوچ دائمی خانگی، هر جا که جمع شدند، بنیادی نهادند و به‌آرامی به بسیاری از عملکردهای

^۱ Social Equity

^۲ Economic Prosperity

^۳ Environmental Integrity

^۴ Management Coherence

^۵ این کتاب طبق توافق با دکتر مصطفی بهزادفر و آرمان میرزاخانی به منظور نگارش نسخه فارسی، با تکیه بر مثال‌های ایرانی در حال آماده‌سازی است.

شهری، که به شکلی طبیعی و به‌دوراز هرگونه جهت‌گیری و هدایت سیاسی در محله‌ها توزیع می‌گردند، تمایل پیدا کردند» (Caves, 2005: 43).

محله به موقعیت مکان مسکونی وابسته به یک باهمستان اطلاق می‌شود که ساکنان آن در جریان یک کنشگری معنی‌دار واحد اجتماعی هم‌پیوندی را پدید می‌آورند. بنابراین مکان بودن، مکان اجتماعی بودن از صفات ماهیتی آن بوده و اجتماع‌پذیری و هم‌پیوندی از صفات ارزشی یا هنجاری آن می‌باشد. بنابراین، وقتی از محله پایدار سخن گفته می‌شود، باید موقعیت مکانی معلومی را جستجو کرد که مؤلفه‌ها و شاخص‌های پایداری صفات‌های کیفی آن را معنی‌دار می‌کنند. کرپات این‌گونه بیان می‌کند: محله، واحد فیزیکی و اجتماعی با سازمان‌های اجتماعی است که بزرگ‌تر از خانواده و کوچک‌تر از شهر می‌باشد. محله ناحیه‌ای است که آشنایی با آن باعث آسودگی خاطر می‌گردد و هر چه شما به طرف لبه‌های محله می‌روید، آشنایی شما با مردم و مکان‌ها کمتر می‌شود (صمیمی شامی، ۱۳۸۹: ۷۶).

انگاره‌ی محله‌ی پایدار در دهه‌ی ۱۹۹۰ و ابتدا در امریکا شکل گرفت. در واقع به دنبال مطرح‌شدن پارادایم توسعه‌ی شهری پایدار و در جهت عملی ساختن اهداف آن این انگاره شکل گرفت. در ۲۰۰۴، اداره معاونت نخست‌وزیری بریتانیا، شعار "ساخت محله پایدار" را سرلوحه کار خود قرار داد. گزارشی که برای این نهاد تهیه شد، محله پایدار را چنین تعریف می‌کند: "برآوردن نیازهای متنوع زمان حال و آینده ساکنان، فرزندان‌شان و دیگر کاربران؛ مشارکت در ایجاد کیفیت بالاتر زندگی و ایجاد فرصت‌ها و گزینه‌های متنوع و دستیابی به اهداف با کارآتر کردن استفاده از منابع طبیعی، ارتقای محیط طبیعی، ترقی اتحاد و سازگاری اجتماعی و تقویت دارایی‌های اقتصادی" (فتوحی، مفیدی ۱۳۹۶: ۴).

برخی از ویژگی‌های محله پایدار عبارت‌اند از: (۱) رضایت (نسبت به کلیت محله و مسکن)؛ (۲) ایمنی (نسبت به ترافیک یا حوادث و جرم)؛ (۳) زیبایی‌شناسی (نسبت به ظاهر قابل قبول)؛ (۴) قابلیت دستیابی و دسترسی به امکانات و تسهیلات؛ (۵) تعاملات اجتماعی (روابط اجتماعی دوستانه و مشارکت)؛ (۶) پویایی و رونق (هزینه‌های قابل کنترل اقامت و ارائه فرصت‌ها)؛ (۷) آمیختگی (حوزه فعالیت‌ها، انتخاب مسکن)؛ (۸) سلامت زیست‌محیطی (سروصدای کم‌تر، آلودگی و خطرات صنعتی نادر و کم)؛ (۹) تراکم (هم جمعیتی و هم ساختمانی) (Bahadure and kotharkar, 2017: 87).

ارزیابی پایداری محله، به موضوعات زیر توجه ویژه‌ای دارد: (۱) تراکم؛ (۲) وضعیت زیرساخت؛ (۳) مسائل اجتماعی (سلامت، فقر، جرم و جنایت، مقرون‌به‌صرفه، عدالت)؛ (۴) پدیده‌ها و مسائل زیست‌محیطی (انرژی، گازهای گلخانه‌ای، آلودگی و خطرات صنعتی)؛ (۵) تأسیسات حمل‌ونقل (روش‌ها، امکانات حمل‌ونقل و مالکیت‌ها) (Sharifi and Murayama 2014: 245).

در قالب نظریه‌ها و تجربیات موجود در مقیاس جهانی، اصول و معیارهای متفاوتی را می‌توان برای محلات پایدار شهری بیان نمود. در اینجا به نظرات برخی از اندیشمندان برجسته که در زمینه اصول پایداری محلی مطالعات فراوانی داشته‌اند اشاره می‌شود.

«لینچ»^۱ با شمردن هفت محور عملکردی یک شهر خوب شامل، سرزندگی، معنا، تناسب، دسترسی، نظارت و اختیار، کارایی و عدالت، محله خوب و پایدار را سکونت‌گاهی می‌داند که سلامت و بهزیستی ساکنان آن تأمین باشد. از جمله عوامل مؤثر در پایداری که در شاخص سرزندگی محلات، وجود مکان‌های عمومی جذاب است که روی ذهن افراد تأثیرگذار باشد (لینچ، ۱۳۸۴: ۶۴).

به عقیده «پاور»^۲ برآوردن نیازهای نسل‌های امروز و آینده و ایجاد ایمنی و توازن بین اجزای زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی همان محله و همچنین احترام و پذیرش نیازهای محلات دیگر در مقیاس وسیع‌تر و رویکردی جامع در پایدار

^۱Office of Deputy Prime Minister (ODPM)

^۲ Anne Power

^۳ Anne Power

ساختن آن محله و همچنین برآوردن نیازهای تک تک افراد محله از اصول حاکم در این محلات است. وی معیارهای پایداری محلات را این گونه معرفی می کند:

- جامع و امن؛
- برخورداری از عدالت اجتماعی؛
- حساسیت زیست محیطی؛
- طراحی و اجرای مناسب؛
- خدمات رسانی پاسخ ده؛
- شبکه ارتباطات مناسب و منسجم؛
- ایجاد قابلیت هایی جهت پیشرفت و ترقی (ایجاد مشاغل و بهره بردن از پتانسیل ها)؛
- مدیریت صحیح (Power, 2004: 4-18).

از دیدگاه «عزیزی» اصول و معیارهای پایداری محله عبارت است از: «هویت، سرزندگی، پویایی، سازگاری، تنوع، خوانایی، دسترسی و تراکم و ظرفیت قابل تحمل محله (عزیزی، ۱۳۸۵: ۳۸).

از دید «راکو»^۱ طرح محلات پایدار تأثیر عمیقی و محسوسی بر برنامه ریزی فضایی در کل کشور خواهد داشت. به عقیده وی یک مکان پایدار جایی است که در آن تعادلی بین کار و مسکن و خدمات اجتماعی به صورت متقابل برای گروه های مختلف اجتماعی وجود دارد. وی بحث می کند که با یک اختلاط مناسب گروه های اجتماعی مختلف، فرصت های شغلی، و دسترسی به محیط مصنوع، محلات پایدار نقش به شدت فزاینده و مهمی در برون رفت از محرومیت های اجتماعی ایجاد شده در زمان های مشابه و شکل های گوناگون در مکان های در رقابت با یکدیگر ایفا می کنند (فتوحی، مفیدی ۱۳۹۶).

«کاندن»^۲ هفت قانون یا قاعده اصلی را برای ایجاد محلات پایدار عنوان می کند:

- احیای تراموای شهری
- طراحی یک سامانه خیابان کشی به هم پیوسته
- مکان یابی خدمات تجاری، ایستگاه های حمل و نقل همگانی و مدارس در فاصله پنج دقیقه ای پیاده روی
- مکان یابی مشاغل با ارزش در نزدیکی خانه های افراد
- ایجاد تنوعی از گونه های مختلف خانه سازی
- خلق سامانه زنجیروار از پارک ها و مناطق طبیعی
- ایجاد و به کارگیری زیرساخت های سبک تر، سبزتر، ارزان تر و هوشمندتر.

به عقیده وی برای خلق محلات پایدار احتیاج به برقراری تمامی این هفت قانون در کنار یکدیگر است و برقراری یک یا چند پارامتر بدون ایجاد پارامترهای دیگر منجر به ایجاد پایداری در مقیاس محلی نخواهد شد (Condon, 2010: 161). «بارتون»^۳ اصول شش گانه زیر را برمی شمارد و سپس بر پایه آن ها اهدافی در راستای پایداری محله در سه زمینه فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی مطرح می کند: مداخله عوامل ذینفع، افزایش استقلال محلی، هم پیوندی، تنوع، پاسخ دهی به الزامات همگانی بودن مکان و قطعیت پذیری (Barton et al, 2003: 36).

^۱ Mike Raco

^۲ Patrick M. Condon

^۳ Hugh Barton

با تکیه بر تبییناتی که از مفاهیم پایداری، محله و محله پایدار برآمد، محله پایدار به مکان زیر باهمستانی^۱ اطلاق می‌شود که اجتماع‌پذیری، یکپارچگی زیست‌محیطی، رونق اقتصادی و انسجام مدیریتی از صفات کیفیت محیطی مکان است. این صفات ارزشی با شاخص‌هایی^۲ نظیر هم‌پیوندی، پاسخ‌دهندگی به الزامات همگانی بودن مکان، مداخله‌پذیری برای همه ذینفعان، استقلال محلی، تنوع، خوانایی، ظرفیت قابل تحمل، تراکم جمعیتی بهینه، سرزندگی، دسترسی‌پذیری، ایمنی ترافیک و سکونت، سلامت زیست‌محیطی، زیست‌پذیری، آمیختگی، قدرت انتخاب مسکن، آمیختگی کارکردها با مسکن، زیبایی، پویایی، رونق، آرامش و سکون، کارایی، نظارت و اختیار، امنیت‌پذیری و عدالت قابل‌سنجش هستند. بدیهی است، برای سنجش شاخص‌ها باید به واسطه‌های اندازه‌پذیر^۳ و قابل‌شمارشی که سازه‌های اصلی مکان هستند، شامل ریخت، فضا، منظر، زیست‌بوم، اجتماع، کارکرد، مدیریت، ادراک و زمان اتکا نمود. مع‌هذا، امکان اینکه در این گفتار به همه موارد یادشده پرداخته شود بعید است. در این گفتار به دلیل محدودیت داده‌ها و نیاز به آگاهی‌های بیشتر از پرداختن به عامل مدیریتی اجتناب شود. لذا، به سه بعد اصلی یعنی اجتماع، کارکرد و زیست‌بوم پرداخته می‌شود.

مبانی مورد کاوی محله با رویکرد پایداری

با شناخت اصول معرفی‌شده نظریه‌پردازان، می‌توان نمایانگرهای مرتبط با هر کدام از نظرات استخراج کرد. هر یک از نظریه‌پردازان به وجوهی از نمایانگرهای محله پایدار پرداخته‌اند که این نیز می‌تواند ناشی از تفاوت‌هایی در شرایط محلی و اصول تفکرات آن‌ها با یکدیگر باشد. برای شناخت شرایط محیطی و اعمال محیط پایدار، یافتن شاخص‌های هر یک از این ارزش‌ها الزامی است.

نمایانگرهای محله پایدار

با توجه به آنچه که پیرامون نمایانگرهای مکانی محلات پایدار بحث شد، به‌ویژه با تکیه بر محدودیت تدوین مقاله صرفاً ابعاد یا نمایانگرهای اجتماعی، کارکردی (دسترسی، کاربری، اقتصاد، فعالیت) و زیست‌بوم پرداخته می‌شود. یادآوری می‌شود، از آنجاکه یکی از مهم‌ترین عوامل پایداری، اقتصاد می‌باشد، کارکرد به‌مثابه نمایانگری که اقتصاد یکی از عناصر آن است، مورد ملاحظه قرار می‌گیرد.

نمایانگر اجتماعی

اجتماع؛ سازه و بعدی از مکان است که با موجودیت کنش‌گرانه مردم معنی‌دار می‌شود. عدالت اجتماعی عامل اصلی سازندگی محله با رویکرد پایداری است. متغیرهای محیطی مورد کاوی در این رویکرد شامل مردم و فعالیت‌های آنان است. مفاهیم ارزشی خاصی شامل امنیت و عدالت اجتماعی و نظیر این‌ها، هنجارهایی هستند که با شاخص‌هایی شامل میزان تردد مردم، میزان کاربری‌ها و نظیر این‌ها سنجش می‌شود. برای جزئیات بیشتر به جدول شماره ۱ مراجعه شود.

نمایانگر کارکردی

کارکرد، سازه یا بعدی از مکان است که با نمود فعالیت‌های مختلف معنی‌دار می‌شود. رونق اقتصادی، بهترین عامل سازندگی محله با رویکرد پایداری است. حرکت و دسترسی، کاربری زمین و فعالیت، متغیرهای محیطی مورد کاوی هستند. برای پژوهشی موردکاوانه، معیارهای ارزشی مکان شامل پیاده‌مداری، تنوع فعالیتی و نظیر این‌ها موردسنجش قرار می‌گیرند. برای سنجش وضعیت شاخص‌هایی شامل میزان دسترسی راحت به حمل‌ونقل همگانی، چگونگی هم‌جواری کاربری‌ها و فعالیت و نظیر این‌ها اندازه‌گیری می‌شوند. حالت مطلوب آن است که هر محله دارای کاربری‌ها و تسهیلاتی باشد که بتواند از عهده تأمین امورات روزمره ساکنین خود برآید. مراکز خرید، مدارس و انواع گوناگون نهادهایی که بتوانند به مشتریان محلی خدمات عرضه کنند از این جمله کارکردها هستند. به‌علاوه، محله اغلب دارای مجموعه‌ای متنوع از خانه‌های مسکونی به‌ویژه خانه‌های مقرون‌به‌صرفه (مسکن حداقل)، واحدهای جانبی دیگر، منازل

^۱ Sub - Community

^۲ Index

^۳ Measatable

نزدیک به مراکز خرید و آپارتمان‌های احداث شده بر روی فروشگاه‌ها می‌باشند. موقعیت مکانی یا محل استقرار این کارکردها نیز حائز اهمیت هستند (بهزادفر و میرزاخانی، ۱۳۹۵: ۳۲).

نمایانگر زیست‌بوم

زیست‌بوم، سازه بعدی از مکان است که با موجودیت عوامل و عناصر طبیعی در زمینه بنیادین مکان معنی‌دار می‌شود. یکپارچگی زیست‌محیطی، عامل اصلی سازندگی محله با رویکرد پایداری است. متغیرهایی که در مورد کاوی محله با این رویکرد مورد ملاحظه قرار می‌گیرند، شامل خاک، نموده‌های زمین‌ساختی، آب، اقلیم، پوشش گیاهی و حیات جانوری هستند. برای شناخت یکپارچگی زیست‌محیطی محله، معیارهای ارزشی خاصی شامل سبزی‌نگی محله، زیست‌پذیری، همزیستی عناصر زمینه‌ای و نظیر این‌ها ملاحظه می‌شوند. برای ملاحظه معیارهای ارزشی یادشده، باید به اندازه‌گیری شاخص‌های عینی و مرتبط پرداخت. اندازه‌گیری متغیرهایی شامل استفاده از مصالح سازگار با زمینه‌های طبیعی، میزان تمیزی و آلودگی محیط، میزان موجودیت مناظر و مزایای طبیعی و نظیر این‌ها از سازوکارهای سنجش وضعیت کیفیت‌های وابسته به محیط‌زیست هستند.

جدول ۱- هنجارها و سنجه‌های مربوطه در نمایانگرهای اجتماعی، کارکردی و زیست‌محیطی

نمایانگر	عناصر	معیار	زیر معیار
امنیت	مردم عملکرد و فعالیت‌های مردم	امنیت	میزان تردد مردم، به‌خصوص کودکان و بانوان در شب؛ نظارت عمومی در محله (چشمان ناظر)؛ وجود فعالیت بیشتر جهت حضور مردم؛
		اجتماع‌پذیری	میزان وجود و سلسله فضاهای باز و عمومی در محله؛ میزان وجود فضاهای فرهنگی مذهبی در محله جهت ایجاد تعاملات اجتماعی؛ قابلیت تشخیص مرکز محله جهت ایجاد قرارگاه‌های رفتاری؛
		عدالت اجتماعی	همه مردم در حد توان‌های خود دسترسی به مکان‌های همگانی را داشته باشند؛ امکان استفاده از قرارگاه‌های رفتاری در حد توان هر فرد؛
		همه‌شمولی	امکان حضور اقشار مختلف اعم از زنان، کودکان، سالمندان در این مکان وجود دارد. امکان حضور اقشار مختلف اعم از معلولین در این مکان وجود دارد. امکان دسترسی اکثریت مردم به مکان‌های همگانی؛
		تعلق خاطر	وجود نمادها و سرمایه‌های فرهنگی تاریخی در محله؛ توجه به الگوهای رفتاری و سیستم‌های ارزشی (خلق محیط پاسخ‌ده)
کارکرد	حرکت و دسترسی	سرزندگی	وجود کاربری‌های شبانه‌روزی؛ میزان وجود کاربری‌های محرک و سرریز فعالیت‌ها به پیاده‌روها؛
		سلسله‌مراتب دسترسی	میزان انطباق درجه‌بندی معابر محله، با میزان تردد سواره و ترافیک؛
		هم‌پیوندی	میزان دسترسی پیوسته و ایمن عابر پیاده و دوچرخه به مرکز محله، بازار محلی
		پیاده‌مداری	نسبت تردد عابر پیاده و دوچرخه در برابر سواره؛
		راحتی همگانی	میزان دسترسی راحت به حمل‌ونقل عمومی؛
کاربری و فعالیت	تعدد فعالیت‌ها	تنوع فعالیتی	میزان اختلاط کاربری‌ها و فعالیت‌ها؛ میزان وجود فعالیت‌های تجاری، ورزشی و تفریحی و فرهنگی متنوع و جاذب در محله؛
		سازگاری فعالیت‌ها	چگونگی هم‌جواری کاربری‌ها و فعالیت‌ها؛
		تعادل در پراکندگی فعالیت‌ها	چگونگی توزیع مکانی مناسب فعالیت‌ها در محله؛
زیست‌بوم	خاک و نموده‌های زمینی ساختنی آب هوا (اقلیم) پوشش گیاهی و حیات جانوری	همزیستی و سازگاری و عناصر محله با زمینه‌ها و عوامل محیط زیستی	استفاده از مصالح سازگار با محیط‌زیست؛ میزان انطباق بافت محله با توپوگرافی و ویژگی‌های زیست‌محیطی؛
		سبزی‌نگی محله	میزان وجود و تنوع فضاهای سبز؛ میزان پارک‌ها و فضای سبز متنوع جهت تأمین تعاملات اجتماعی؛
		چشم‌اندازهای سبز	وجود مناظر و نشانه‌های طبیعی مهم؛
		زیست‌پذیری	میزان، نوع و سازوکار بیولوژیکی حوزه‌ی طبیعی محله
		سازگاری زیست‌محیطی	میزان آلودگی‌های محیطی از قبیل آلودگی آب، هوا، خاک، صوت و ...

شیوه و زمینه مورد کاوی

کلیاتی از شیوه مورد کاوی

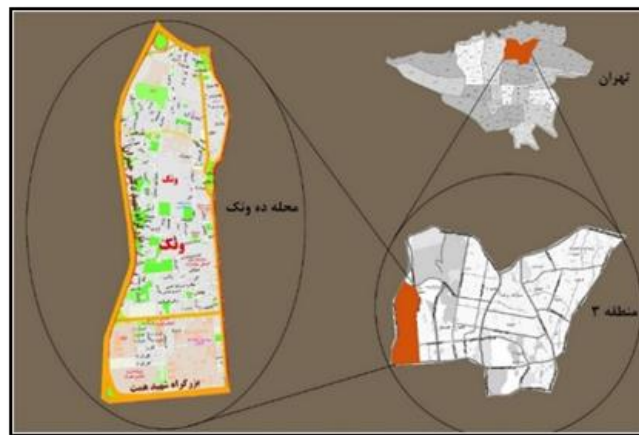
با توجه به مبانی نظری پژوهش که معرف مفاهیم، عناصر، متغیرهای محیطی، ارزش‌ها و هنجارهای مرتبط با مفهوم واژه پایداری می‌باشد. محله مورد کاوی انتخاب شده که لاقلاً بخشی از این ویژگی‌ها در صفات هویت کلی آن مشهود باشد. در این میان، ده ونک درعین حال که به دلیل وجود پوشش گیاهی و فضای سبز توانسته جایگاه مناسبی در تهران بزرگ داشته و اجتماع محلی خود را حفظ کند، اقتصاد دوگانه‌ای نیز دارد. بنابراین، به نظر می‌رسد مبین پویایی و ثبات تاریخی است و می‌تواند به‌عنوان محله مورد کاوی مناسب باشد.

گردآوری و برداشت داده‌های این پژوهش با مرور اسناد موجود کتابخانه‌ای و مطالعات عمیق و ساختاریافته میدانی در نمونه موردی، همچنین مصاحبه‌های میدانی، مشاهدات محیطی مستقیم صورت پذیرفت. برای مشاهدات محیطی، داده‌ها به داده‌های کمی و کیفی تقسیم‌بندی شده است. داده‌های کمی شامل اطلاعات مطالعات فراگیر و برداشت میدانی مستقیم، فهرست برداری از مشهودات محیطی می‌باشد که جهت تحلیل مورد استفاده قرار می‌گیرند. برخی از داده‌های میدانی از طریق پرسشنامه و چک‌لیست گردآوری شد. برای تدوین پرسشنامه، شاخص‌های کیفیت محیط که در جهت پایداری محله در ابعاد اجتماعی، عملکردی و زیست‌محیطی با استفاده از منابع و داده‌ها جمع‌آوری شده به تحلیل پرداخته شد. در ادامه از طریق آزمون t تک متغیره که شیوه‌ای سیستماتیک برای ارزیابی داده‌ها و آگاهی‌ها می‌باشد به ارزیابی شاخص‌ها، روندها و خروجی‌ها پرداخته شد. این ارزیابی و سنجش می‌تواند در یک موضوع خاص، در یک شهر صورت گیرد و بهترین افراد برای پاسخ دادن با آن موضوع، شهروندان آن شهر می‌باشند. لازم به یادآوری است که با توجه به رویکرد پژوهش (کیفی - کمی) حدود پرسشگر برای تکمیل داده‌های کیفی ۳۷۵ پرسشنامه نیز انجام شده است.

معرفی و تاریخچه محله ده ونک

محله ده ونک در غرب منطقه ۳ و در ناحیه ۱ این منطقه واقع شده و بالغ بر ۱۳۹/۵ هکتار مساحت و بیش از ۱۶۱۱۱ نفر جمعیت دارد. این محله، محله‌ای است قدیمی با هسته روستایی، و باغ‌ها نماد آن محسوب می‌گردند (رحمتی، ربیعی فر، ۱۳۹۳). ده ونک در سال ۱۳۵۹ در محدوده تقسیمات شهر تهران قرار گرفته است. پهنه‌های سبز زراعی و باغات میوه‌ای آن علاوه بر هسته نیمه روستایی - نیمه شهری آن زبانزد عام و خاص بوده است. این محله تنها هسته قدیمی باقیمانده منطقه ۳ است که نسبت به سایر هسته‌های کهن منطقه کمترین میزان دخل و تصرف در آن صورت گرفته است و به دلیل دور ماندن از ترافیک عبوری منطقه، مجاورت با پهنه‌های سبز منطقه، وجود توپوگرافی ویژه، قرارگیری در محور پیاده و اتصال به قطب گردشگری منطقه، وجود قنات‌ها، رودخانه و مسیل‌ها، در پیرامون، موقعیت استراتژیک ویژه‌ای دارد (مطیعی و همکاران، ۱۳۸۹).

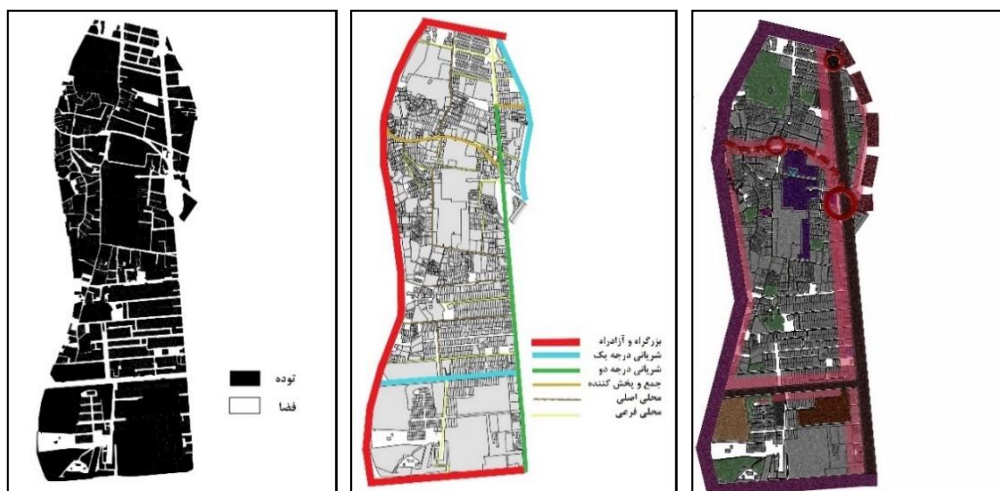
تاریخچه: در دوره قاجار و تا اواخر دوران ناصری، ده ونک جز املاک خالص درباره شاهی بوده است. در دوران پهلوی، این محدوده به‌عنوان مرکز بیلاقی شمال شهر تهران گسترش و توسعه یافت. در همین زمان، با گسترش خریدوفروش عرصه و عیان به افراد غیربومی و فراهم شدن زمینه تبدیل اراضی کشاورزی به بافت مسکونی به‌ویژه در اوایل پیروزی انقلاب به‌مرور اقشار اجتماعی ساکنان تغییر یافت و لایه‌های اجتماعی جدیدی در این محله شکل گرفت. در دوران بعد از انقلاب نیز به دلیل نبود نظارت جامع مدیریت شهری، روند تخریب باغ‌ها و تبدیل آن‌ها به فضای مسکونی و توسعه آن به‌صورت اسکان غیررسمی در تمام جهات محدوده ده ونک روبه رشد نهاد. گسترش اسکان غیررسمی در این محدوده، زمینه‌ساز تخریب هر چه بیشتر باغات و اشغال بخشی از اراضی حریم سبز بزرگ‌راه چمران، ترکیب نامتجانس و آشفته اجتماعی و ایجاد معضلات و مشکلات ثبتي و حقوقی و مالکیتی گردید (شارمند، ۱۳۸۸).



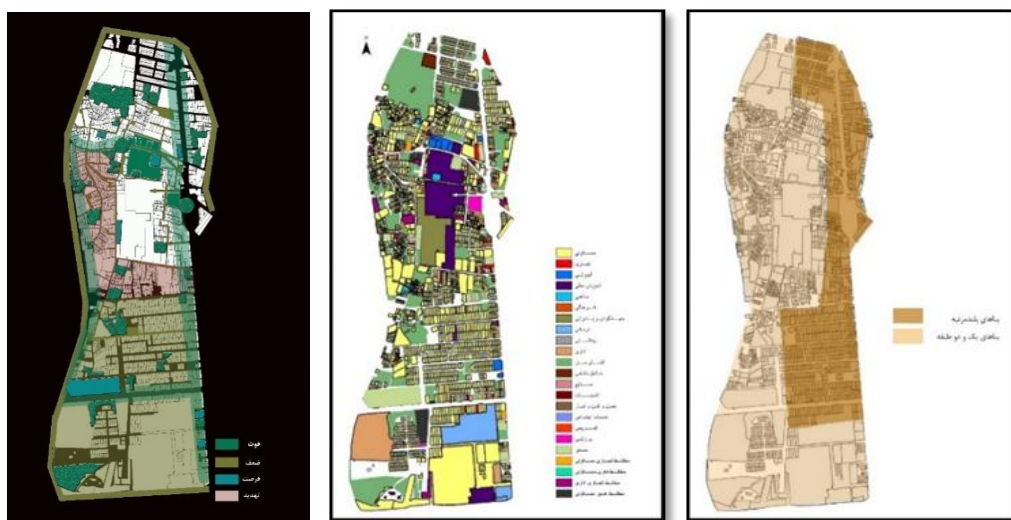
شکل ۲- موقعیت محله ده ونک در منطقه ۳ و شهر تهران

سنجش وضعیت محله بر اساس نمایانگرهای اجتماعی، کارکرد و زیست محیطی

محله‌ی ونک دارای دو بافت قدیمی و جدید است. بافت قدیم که شامل ده ونک می‌شود یکی از تفرجگاه‌ها و بیابان‌های اطراف تهران است. تراکم ناخالص جمعیت ۹۴/۶ نفر در هکتار در مقابل ۱۱۱ نفر در هکتار در سطح تهران است. این محله از شمال به تقاطع بزرگراه چمران و خیابان سئول، از جنوب به بزرگراه همت، از غرب به بزرگراه چمران و از شرق به خیابان‌های شیخ بهایی و سئول محدود می‌شود. دسترسی محله از بافت قدیمی آن پیروی می‌کند و ارگانیک است. اکثر معابر محله نامناسب و غیراستاندارد هستند. از دیگر مشکلات دسترسی، احاطه شدن آن به وسیله بزرگراه‌های نیایش، چمران و همت است که سبب ایزوله شدن محله شده و باعث عدم تعامل با محله‌های دیگر می‌شود. خیابان ده ونک، خیابان اصلی این محله بوده و در جداره خیابان مغازه‌های خرده‌فروشی محلی نیازهای ساکنان محلات اطراف خود را برآورده می‌سازد. کارکرد غالب این خیابان تجاری و مقیاس آن محلی است. مرکز محله ده ونک میدان ده ونک می‌باشد که به‌عنوان مرکز ارائه‌ی خدمات محلی عمل می‌کند. همچنین، خیابان شیخ بهایی با ساخته شدن میدان شیخ بهایی دارای عملکرد تجاری و تفریحی می‌باشد. میدان شیخ بهایی به‌عنوان مرکز تجاری و اداری می‌باشد، ولی بیشتر در مقیاس منطقه‌ای ارائه‌ی خدمات می‌نماید. عنصر شاخص این محله دانشگاه الزهرا و امامزاده قاضی الصابر (ع) می‌باشد که هر دو در قسمت شمالی محله و در شرق میدان ده ونک واقع شده‌اند. اغلب کاربری‌ها به‌جز دانشگاه الزهرا، بیمارستان بقیه‌الله و سازمان گوشت و صد اوسیما که در مقیاس منطقه‌ای می‌باشد، در مقیاس محله‌ای می‌باشند. فضای سبز نیز در محله ۲/۰۱۲ هکتار است که از استاندارد خود یعنی ۲/۹۴۱ هکتار به میزان ۰/۹۲۹ هکتار فاصله دارد (شهرداری تهران، منطقه ۳، ۱۳۹۵).



شکل ۳- از راست به چپ: نقشه استخوان‌بندی، نقشه سلسله‌مراتب دسترسی، نقشه توده و فضا



شکل ۴- از راست به چپ: نقشه کاربری اراضی، نقشه پهنه‌بندی تعداد طبقات، نقشه تحلیل یکپارچه.

به‌طور کلی، مشکل ترافیک از مواردی است که به‌وضوح در سطح محله به چشم می‌خورد. علاوه بر وجود بافت قدیم متراکم و کوچک بودن قواره‌های زمین، بسیاری از قطعات پارکینگ ندارند و ساکنان مجبور به پارک خودروهای خود در سطح محله هستند. یکی از معضلات دیگر این محله، بافت فرسوده آن است که در عرض بسیار کم معابر و نیز قطعات نامنظم و بسیار کوچک زمین ابنیه مشهود است. از طرفی دیگر، در سال‌های اخیر پیرامون محله ده ونک ساخت‌وسازهای جدید با ارزش اقتصادی بالا ایجاد شده که وجود آن‌ها تناقض جدی با بافت فرسوده‌ی محله چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ کالبدی ایجاد نموده است. به‌طوری‌که، تراکم ساختمانی در مجاورت خیابان شیخ بهایی زیاد بوده و در مناطق جنوبی محله بیشتر است. و این موارد با الگوی محله پایدار سازگار نیست و سبب ایجاد مشکلات اجتماعی شده است. علاوه بر این، آستانه مبارک امامزاده قاضی الصابر، باغ مستوفی‌الممالک و کارخانه لاستیک‌سازی از ابنیه تاریخی این محله قدیمی به شمار رفته و بافت مسکونی نیز حالت قدیمی و ساکنان بومی خود را حفظ کرده است. بنابراین، تعلق خاطر ساکنان به محله از ویژگی‌های بارز آن است. در شکل زیر به سنجش وضعیت محله ده ونک با ذکر نقاط ضعف و قوت و فرصت و تهدید بر اساس شاخص‌های استخراج‌شده و با توجه به برداشته‌های میدانی و مصاحبه با ساکنان پرداخته شده است.

جدول ۲- تحلیل سوات

نقاط	تحلیل سوات
قوت	<ul style="list-style-type: none"> - وجود فضاهای باز و مساجد مذهبی در محله مانند امامزاده الصابر (فضای باز و عمومی)؛ - مرکز محله ده ونک به عنوان پاتوق؛ - مقیاس انسانی فضاها با توجه به بافت ارگانیک محله؛ - اختلاط و تنوع کاربری‌ها؛ - وجود سالن ورزشی و مراکز آموزشی مناسب محله؛ - دسترسی به کاربری‌های تجاری و موردنیاز روزانه در مرکز محله و ایجاد فرصت برای تعاملات اجتماعی؛ - وجود غرفه بازیافت در محله جهت تفکیک زباله توسط ساکنان؛ - وجود فضاهای سبز و باغ‌ها برای فعالیت‌های اجتماعی؛ - وجود فضای سبز و سبز راه‌ها در سطح محله برای عابرین؛
ضعف	<ul style="list-style-type: none"> - مشکل اسناد مالکیت املاک و اراضی محله؛ - عدم وجود فضاهای واحد همسایگی؛ - سازمان فضایی نامناسب مرکز محله؛ - نبود امنیت در شب برای زنان و کودکان به دلیل وجود زمین‌های بایر؛ - ساخت‌وساز غیراصولی و غیرمجاز؛ - فرسودگی و تراکم بالای جمعیت در بخش جنوبی محله؛ - جلوه نامناسب ساختمان‌ها و کاربری‌ها در محله؛ - استفاده از فضاهای باز محله جهت پارک خودروها به جای پاتوق و قرارگاه رفتاری؛ - عدم وجود سازمان فضایی منسجم و سلسله‌مراتب مشخص؛ - معابر نامناسب و غیراستاندارد محله؛ - عدم وجود نظام مشخص پیاده و سواره؛ - دور بودن از ایستگاه اتوبوس شهری؛ - نبود فضای مشخص برای پارک خودروها و تبدیل سطح معابر به توقفگاه خودرو؛ - تبدیل برخی زمین‌های بایر و بلااستفاده به زباله‌دانی؛ - ناکافی بودن فضاها و امکانات فرهنگی نظیر خانه فرهنگ و سینما در محله؛ - تجمع تعمیرگاه‌ها در بخش‌های مرکزی محله؛ - ناسازگاری کاربری صنعتی (تعمیرگاه) با کاربری آموزشی و مسکونی در سطح محله؛ - آلودگی هوا و صوتی به دلیل احاطه شدن محله به وسیله بزرگراه‌ها؛ - خشک شدن درختان محله به دلیل سهل‌انگاری مسئولین و از بین بردن آن‌ها برای تغییر کاربری و سودآوری؛
فرصت	<ul style="list-style-type: none"> - مقیاس انسانی محله و وجود پتانسیل برای تبدیل آن به یک محله پایدار؛ - وجود زمینه هویت بخشی محله‌ای از طریق مراکز مذهبی و مساجد و همچنین کاربری ورزشی؛ - وجود اراضی و املاک ذخیره شهری قابل توجه؛ - وجود فضاهای باز مناسب و امکان ایجاد قرارگاه‌های اجتماعی؛ - وجود فضاهای سبز فرصتی برای ایجاد کریدورهای بصری مطلوب؛ - وجود کاربری‌های متنوع محلی فرصتی برای سودآوری اقتصادی و بهبود تعاملات اجتماعی؛
تهدید	<ul style="list-style-type: none"> - افزایش تسلط سواره و تبدیل شدن محله به پارکینگ خودروها به دلیل وجود فضاهای باز و زمین‌های باید متعدد؛ - گسترش بافت فرسوده و فرسودگی محله به دلیل عدم اعطای مجوز ساخت‌وساز؛ - زمینه خسارت‌های جانی و مالی در اثر حوادث طبیعی و زلزله به دلیل کیفیت نامناسب ساختمان‌ها؛ - تبدیل ده ونک به محله‌ای تعمیرگاهی و از بین رفتن هویت آن به دلیل ازدیاد تعمیرگاه‌ها؛ - افزایش آلودگی صوتی و هوا و از بین رفتن آسایش ساکنین به دلیل وجود بزرگراه‌ها؛ - از بین رفتن درختان کهنسال محله و سبزی‌نگی محله به دلیل عدم رسیدگی و فرسودگی بافت؛

تحلیل و مباحثه

با توجه به قابلیت‌هایی که برای سنجش حد متوسط سنجه‌ها وجود دارد، از آزمون t تک متغیره استفاده شده است. در این روش، اگر مقدار سطح معناداری ((Sig.(2-tailed)) از مقدار $0/05$ بیشتر باشد، به این معنی است که وضعیت شاخص و سنجه در حد متوسط قرار دارد. اگر این مقدار از $0/05$ کمتر باشد، دو حالت امکان وجود دارد. اگر مقدار t مثبت بود، به این معنی است که شاخص سنجه در وضعیت مطلوبی قرار دارد؛ ولی اگر مقدار t منفی بود، به معنی است که شاخص و سنجه در وضعیت نامطلوب و نامناسبی قرار دارد و مردم از آن شاخص رضایت ندارند. بدیهی است که هر چه این مقدار t بیشتر باشد یعنی وضعیت شاخص و سنجه مطلوب‌تر و پایدارتر و هرچه مقدار منفی بیشتر بود، وضعیت ناپایدارتر و نامطلوب‌تر است. در این آزمون، داده‌ها به صورت واقعی در 375 پرسشنامه تنظیم شده است. برای تدوین پرسشنامه، به منظور سهولت در انتقال مفاهیم سنجه‌های استخراج شده و ارتقای سطح درک پذیری از سوی پاسخ‌دهندگان، هر یک از سنجه‌ها معادل‌سازی شده و در قالب پرسش‌های ساده شده با پاسخ‌هایی از رده‌بندی شده با امتیاز 1 (خیلی کم) تا 5 (خیلی زیاد) مورد ارزیابی قرار گرفته است. بر این اساس، نتایج تحلیل و پردازش به تفکیک نمایانگرهای اجتماعی، کارکردی و زیست‌محیطی آورده شده است.

نمایانگر اجتماعی

در تحلیل نتایج آزمون مربوط به نمایانگر اجتماعی، با توجه به جدول زیر، در شاخص اجتماع‌پذیری، سنجه شماره 1 (عرصه‌هایی برای گذران اوقات فراغت)، با میزان اطمینان 95 درصد، با توجه به این که سطح معناداری سنجه کمتر از $0/05$ بوده و مقدار t آن نیز $33/515-$ می‌باشد، وضعیت نامناسبی دارد. سنجه شماره 2 (وجود فضاهای فرهنگی مذهبی و تفریحی) به دلیل وجود کاربری‌هایی نظیر زورخانه، امامزاده و ... دارای سطح معناداری $0/378$ بوده و در حد متوسط قرار دارد. سنجه شماره 3 (قابلیت تشخیص مرکز محله)، به این دلیل که مرکز محله در محله مشخص و متمایز می‌باشد، دارای سطح معناداری کمتر از $0/05$ و مقدار t $10/525$ بوده و در وضعیت مطلوبی می‌باشد. بنابراین، می‌توان گفت شاخص اجتماع‌پذیری به دلیل عدم رسیدگی و تقویت فضاها همگانی در وضعیت نسبتاً نامطلوبی قرار گرفته است. در شاخص همه‌شمولی، سنجه شماره 4 (حضور گروه‌های متنوع اجتماعی در قرارگاه رفتاری)، با میزان اطمینان 95 درصد و سطح معناداری $0/721$ ، در حد متوسط و سنجه شماره 5 (حضور افراد ناتوان و معلول در محله) با توجه به عدم رعایت ضوابط و استانداردهای مربوط به استفاده افراد معلول و ناتوان از فضاهای محله، با سطح معناداری کمتر از $0/05$ و مقدار t $38/872-$ وضعیت نامناسبی را نشان می‌دهد. بنابراین، گروه‌های متنوع مردم و افراد معلول برای حضور در محله با محدودیت‌هایی مواجه هستند.

در شاخص عدالت اجتماعی، سنجه شماره 6 (توان استفاده گروه‌های متنوع از قرارگاه‌های رفتاری)، سنجه 7 (توزیع متعادل جمعیت در محله) و سنجه 8 (دسترسی مطلوب همه گروه‌ها به مکان‌های همگانی) به دلیل توزیع نامتناسب جمعیت در محله، وجود اسکان‌های غیررسمی در قسمت‌های جنوبی محله و نبود فضاهای همگانی مناسب، با میزان اطمینان 95 درصد، سطح معناداری کمتر از $0/05$ و مقدار t به ترتیب $30/762-$ ، $21/337-$ و $20/912-$ در وضعیت بسیار نامطلوبی باشند. در شاخص سرزندگی نیز، سنجه 9 (وجود کاربری‌های شبانه‌روزی)، با سطح معناداری کمتر از $0/05$ و مقدار t $21/251-$ در وضعیت نامطلوب، و سنجه 10 (میزان وجود کاربری‌های محرک و سرریز فعالیت‌ها به پیاده‌روها) با سطح معناداری $0/612$ در حد متوسط قرار دارد. بنابراین، با وجود برخی کاربری‌های محرک و سرریز فعالیت‌ها در خیابان ده ونک، به دلیل کمبود کاربری‌های فعال در طول شبانه‌روز، سرزندگی به اندازه کافی در محله تأمین نشده است. در هنجار امنیت، سنجه 11 (نظارت ساکنین بر محله) با میزان اطمینان 95 درصد و سطح معناداری $0/601$ ، در حد متوسط و هنجار 12 (تردد مردم، به‌ویژه کودکان و بانوان در شب)، 13 (روشنایی در شب) و 14 (کم بودن نقاط ناامن در محله) با سطح معناداری کمتر از $0/05$ و مقدار t به ترتیب $15/169-$ ، $33/214-$ و $18/556$ نامطلوب می‌باشند.

به این ترتیب، با وجود نظارت نسبی ساکنان، به دلیل وجود نقاط ناامن و بدون کاربری و یا کاربری‌های ناسازگار، کمبود روشنایی در شب، و مشکلات تردد کودکان و زنان نامطلوب است.

با وجود این که شاخص‌های اجتماع‌پذیری، همه‌شمولی، عدالت اجتماعی، سرزندگی و امنیت در سطح نامطلوب قرار دارند، شاخص احساس تعلق ساکنان در محله با توجه به سنجه‌های ۱۵ (میزان تمایل و علاقه مردم به زندگی در محله) و سنجه ۱۶ (میزان همکاری و مشارکت ساکنان محله) با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و مقدار $t = ۱۳/۵۱۳$ و $۸/۰۲۰$ در وضعیت مطلوبی قرار دارد و می‌توان گفت ساکنان با وجود کمبودها و مشکلات به محل زندگی خود علاقه داشته و با همسایگان خود تعامل و ارتباط برقرار می‌کنند.

در این میان، با توجه به تحلیل و بررسی نتایج، و محاسبه مقدار t ، در سنجه‌هایی که سطح معناداری آن‌ها کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، شاخص عدالت اجتماعی دارای نامطلوب‌ترین وضعیت (مقدار $t = ۷۳/۰۱۱$ -) و در مرتبه‌های بعدی شاخص‌های امنیت (مقدار $t = ۶۶/۹۳۹$ -)، همه‌شمولی (مقدار $t = ۳۸/۸۷۲$ -)، اجتماع‌پذیری (مقدار $t = ۲۲/۹۹$ -) و سرزندگی (مقدار $t = ۲۱/۲۵۱$ -) قرار گرفته‌اند. در نمایانگر اجتماعی، احساس تعلق تنها شاخصی است که در وضعیت مطلوبی (مقدار $t = ۲۱/۵۳۳$) قرار دارد.

جدول ۳- نتیجه آزمون بررسی وضع موجود با توجه به حد متوسط هر سنجه در نمایانگر اجتماعی

نمایانگر	شاخص	پرسش‌ها بر اساس سنجه‌ها	مقدار t	فراوانی	سطح معناداری Sig. (2-tailed)	اختلاف میانگین	
						حداقل	حداکثر
نمایانگر اجتماعی	اجتماع‌پذیری	۱	-۳۳/۵۱۵	۳۷۴	۰/۰۰۰	-۱/۲۰۳	-۱/۱۳
		۲	۰/۸۸۳	۳۷۴	۰/۳۷۸	۰/۰۲۱	-۰/۰۳
		۳	۱۰/۵۲۵	۳۷۴	۰/۰۰۰	۰/۴۱۶	۰/۴۹
	همه‌شمولی	۴	-۰/۳۵۷	۳۷۴	۰/۷۲۱	-۰/۱۹	-۰/۰۸
		۵	-۳۸/۸۷۲	۳۷۴	۰/۰۰۰	-۱/۳۸۹	-۱/۳۲
	عدالت اجتماعی	۶	-۳۰/۷۶۲	۳۷۴	۰/۰۰۰	-۱/۰۰۳	-۰/۹۴
		۷	-۲۱/۳۳۷	۳۷۴	۰/۰۰۰	-۰/۹۶۳	-۰/۸۷
		۸	-۲۰/۹۱۲	۳۷۴	۰/۰۰۰	-۰/۸۷۲	-۰/۷۹
	سرزندگی	۹	-۲۱/۲۵۱	۳۷۴	۰/۰۰۰	-۰/۷۷۳	-۰/۷۰
		۱۰	۰/۵۰۷	۳۷۴	۰/۶۱۲	۰/۲۹	-۰/۱۴
	امنیت	۱۱	۰/۵۲۳	۳۷۴	۰/۶۰۱	۰/۲۹	-۰/۱۴
		۱۲	-۱۵/۱۶۹	۳۷۴	۰/۰۰۰	-۰/۸۴۸	-۰/۷۴
		۱۳	-۳۳/۲۱۴	۳۷۴	۰/۰۰۰	-۱/۱۳۶	-۱/۰۷
		۱۴	-۱۸/۵۵۶	۳۷۴	۰/۰۰۰	-۰/۹۵۲	-۰/۸۵
	تعلق خاطر	۱۵	۱۳/۵۱۳	۳۷۴	۰/۰۰۰	۰/۷۵۵	-۰/۸۶
		۱۶	۸/۰۲۰	۳۷۴	۰/۰۰۰	۰/۴۸۵	۰/۶۰
		۱۷	۱/۳۳۶	۳۷۴	۰/۱۸۲	۰/۷۲	-۰/۱۸

نمایانگر کارکرد

با توجه به تحلیل نتایج آزمون در جدول زیر، در شاخص سلسله‌مراتب، سنجه‌های ۱۸ (میزان ارجحیت عابر پیاده نسبت به سواره، عملیات عمرانی، ساخت‌وسازها و ...)، ۱۹ (میزان انطباق درجه‌بندی معابر محله، با میزان تردد سواره) و ۲۰ (سلسله‌مراتب فضاهای باز عمومی) با میزان اطمینان ۹۵ درصد، سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و مقدار t به ترتیب ۲۷/۳۶۷-، ۱۸/۱۵۰- و ۲۹/۴۰۹- به دلیل اولویت سواره، عملیات عمرانی و ساخت‌وسازها در نسبت به افراد پیاده و همچنین، عدم انطباق تردد سواره با معابر محلی موجود، ایزوله شدن محله توسط بزرگراه‌های اطراف، نبود واحدهای همسایگی تعریف‌شده و سلسله‌مراتب فضاهای باز عمومی در وضعیت نامطلوب قرار گرفته و سبب نارضایتی ساکنین شده است.

علاوه بر این، شاخص‌های پیوستگی، پیاده‌مداری و دسترسی به حمل‌ونقل عمومی، که به ترتیب شامل سنجه‌های شماره ۲۱ (میزان دسترسی پیوسته و ایمن عابر پیاده و دوچرخه)، سنجه ۲۲ (اولویت تردد عابر پیاده و دوچرخه در برابر سواره) و سنجه ۲۳ (دسترسی راحت عابر پیاده به حمل‌ونقل عمومی) می‌باشد، با میزان اطمینان ۹۵ درصد، سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و مقدار t به ترتیب ۱۶/۹۹۵-، ۲۲/۶۰۳- و ۳۵/۴۵۲- به دلیل مسیرهای پیاده گسسته به مرکز محله و سایر فضاهای خدمات عمومی، اولویت سواره در برابر پیاده، نبود ایمنی و نبود سیستم حمل‌ونقل عمومی مناسب در وضعیت نامناسبی قرار گرفته‌اند.

همچنین، در نظام کاربری محله، شاخص تنوع فعالیتی با توجه به سنجه ۲۴ (تنوع فعالیت‌های تجاری، تفریحی و ورزشی) با میزان اطمینان ۹۵ درصد، سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و مقدار t ۱۳/۹۷۳-، با وجود کاربری‌های متنوع در مرکز محله (سنجه ۲۵)، به دلیل عدم رسیدگی و افت کیفیت فضاها و مکان‌های تفریحی و ورزشی موجود، در وضعیت نسبتاً نامطلوبی قرار گرفته و مردم رضایت کافی از آن ندارند. در شاخص سازگاری فعالیت‌ها نیز، سنجه ۲۶ (انطباق کاربری‌های موجود از نظر عملکردی با فضای شهری) و سنجه ۲۷ (سازگاری کاربری‌ها و فعالیت‌های هم‌جوار) به دلیل وجود کاربری‌های تعمیرگاهی و مغایر با بافت محلی خدشه‌دار شده و میزان اطمینان ۹۵ درصد، سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و مقدار t ۲۲/۲۴۴- و ۸/۵۶۲- نشان‌دهنده عدم رضایت مردم و نامناسب بودن وضعیت این سنجه‌ها می‌باشد. شاخص تعادل در پراکندگی فعالیت‌ها در محله نیز شامل سنجه ۲۸ (توزیع مکانی مناسب فعالیت‌ها در محله) بوده که دارای سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و مقدار t ۱۶/۸۵۸- بوده و به دلیل تمرکز فعالیت‌ها در یک سری نقاط خاص و رکود عملکردی در بقیه بخش‌ها، در وضعیت نامطلوبی قرار گرفته است.

به‌این ترتیب، در نمایانگر کارکرد شاخص سلسله‌مراتب دسترسی (با مقدار t ۷۴/۹۲۶-) نامطلوب‌ترین وضعیت را داشته و در مرتبه‌های بعدی دسترسی به حمل‌ونقل عمومی (با مقدار t ۳۵/۴۵۲-)، سازگاری فعالیت‌ها (با مقدار t ۳۰/۸۰۶-)، پیاده‌مداری (با مقدار t ۲۲/۶۰۳-)، پیوستگی حرکت پیاده و دوچرخه (با مقدار t ۱۶/۹۹۵-)، تعادل در پراکندگی فعالیت‌ها (با مقدار t ۱۶/۸۵۸-) و تنوع فعالیتی (با مقدار t ۱۳/۹۷۳-) و در سطح نامطلوب بوده و ادامه این روند سبب فرسودگی محله و عبوری شدن آن می‌شود.

جدول ۴- نتیجه آزمون بررسی وضع موجود با توجه به حد متوسط هر سنجه در نمایانگر کارکرد

نمایانگر	شاخص	پرسش‌ها بر اساس سنجه‌ها	مقدار t	فراوانی	سطح معناداری Sig. (2-tailed)	اختلاف میانگین	
						حداقل	حداکثر
کارکردی	سلسله مرتب دسترسی	۱۸	-۲۷/۳۶۷	۳۷۴	.	-۱/۳۰۷	-۱/۴۰
		۱۹	-۱۸/۱۵۰	۳۷۴	.	-۰/۸۴۰	-۰/۹۳
		۲۰	-۲۹/۴۰۹	۳۷۴	.	-۱/۳۴۹	-۱/۲۶
	پیوستگی	۲۱	-۱۶/۹۹۵	۳۷۴	.	-۰/۸۹۹	-۱
	پیاده‌مداری	۲۲	-۲۲/۶۰۳	۳۷۴	.	-۱/۱۶۳	-۱/۲۶
	حمل‌ونقل عمومی	۲۳	-۳۵/۴۵۲	۳۷۴	.	-۱/۳۶۰	-۱/۲۸
	تنوع فعالیتی	۲۴	-۱۳/۹۷۳	۳۷۴	.	-۰/۷۲۳	-۰/۸۲
		۲۵	۰/۱۰۷	۳۷۴	۹۱۵	۰/۰۵۵	-۰/۰۹
	سازگاری فعالیت‌ها	۲۶	-۲۲/۲۴۴	۳۷۴	.	۰/۸۸۳	-۰/۹۶
		۲۷	-۸/۵۶۲	۳۷۴	.	-۰/۴۶۱	-۰/۵۷
	تعادل در پراکندگی فعالیت‌ها	۲۸	-۱۶/۵۸	۳۷۴	.	-۰/۷۷۶	-۰/۸۷

نمایانگر زیست‌محیطی

در نهایت، در بررسی نتایج آزمون مطلوبیت سنج‌های مربوط به نمایانگر زیست‌محیطی، در شاخص‌ها همزیستی، سنجه ۲۹ (استفاده از مصالح سازگار با محیط‌زیست) با میزان اطمینان ۹۵ درصد، سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و مقدار t ۲۵/۹۴۶- به دلیل استفاده از مصالح غیربومی و مغایر با بافت محله نامطلوب می‌باشد. در شاخص سبزی‌نگی محله نیز، سنجه‌های ۳۱ (وجود و تنوع فضاهای سبز) و ۳۲ (پارک‌ها و فضای سبز متنوع جهت تأمین تعاملات اجتماعی) به دلیل وجود باغات و فضاهای سبز متنوع و وجود مناظر و چشم‌اندازهای طبیعی دارای سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و مقدار t ۱۸/۷۱۵ و ۱۶/۵۴۶ بوده و مطلوب است. هرچند که با توجه به سنجه ۳۳ (حفاظت از سرمایه‌های طبیعی) با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و مقدار t ۱۸/۹۵۲- در سال‌های اخیر بخشی از این فضاهای سبز به دلیل رسیدگی نکردن مسئولین از بین رفته است. شاخص سازگاری زیست‌محیطی نیز، با سنجه ۳۵ (کاهش آلودگی‌های محیطی) با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و مقدار t ۲۰/۲۵۸- و وجود آلودگی‌های ناشی از تردد وسایط نقلیه، کاربری‌های تعمیرگاهی و احاطه شدن محله توسط بزرگراه‌های پیرامون در وضعیت نامناسبی قرار گرفته است. در حالت کلی، شاخص‌های همزیستی (با مقدار t ۲۵/۹۴۶-) و سازگاری زیست‌محیطی (با مقدار t ۲۰/۲۵۸-) در محله نامناسب بوده و محله از نظر وجود چشم‌اندازهای سبز در حد متوسطی قرار دارد. همچنین سبزی‌نگی محله (با مقدار t ۱۶/۳۰۹) مطلوب می‌باشد.

جدول ۵- نتیجه آزمون بررسی وضع موجود با توجه به حد متوسط هر سنجه در نمایانگر زیست‌محیطی

نمایانگر	شاخص	پرسش‌ها بر اساس سنج‌ها	مقدار t	فراوانی	سطح معناداری Sig. (2-tailed)	اختلاف میانگین	
						حداقل	حداقل
زیست‌محیطی	همزیستی	۲۹	-۲۵/۹۴۶	۳۷۴	۰	-۱/۲	-۱/۳۹
	زیست‌محیطی	۳۰	۱/۷۴۶	۳۷۴	۸۲	۰/۱۰۷	-۰/۱
	سبزی‌نگی محله	۳۱	۱۸/۷۱۵	۳۷۴	۰	۰/۷۱۷	۰/۶۴
		۳۲	۱۶/۵۴۶	۳۷۴	۰	۰/۷۷۱	۰/۶۸
		۳۳	-۱۸/۹۵۲	۳۷۴	۰	-۰/۸۸۵	-۰/۹۸
	چشم‌اندازهای سبز	۳۴	۱/۹۱۶	۳۷۴	۵۶	۰/۱۰۱	۰
	سازگاری زیست‌محیطی	۳۵	-۲۰/۲۵۸	۳۷۴	۰	۰/۸۷۲	-۰/۹۶
میزان اطمینان ۹۵ درصد							

گفتار پسین

به‌طور کلی، پایداری شامل ابعاد اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و مدیریتی است. در این پژوهش، شاخص‌ها و سنجه‌های مربوط به ابعاد پایداری در ۳ نمایانگر کارکردی، اجتماعی و زیست‌محیطی از میان ۹ نمایانگر طراحی شهری انتخاب و بررسی شد. پس از معرفی و بررسی محله ده‌ونک، از آزمون بررسی وضع موجود با توجه به حد متوسط سنجه‌های استخراج‌شده، جهت بررسی میزان مطلوبیت هر سنجه و شاخص بهره‌گرفته شد که در آن، نظرات ساکنان در خصوص میزان مطلوبیت هریک از سنج‌ها با استفاده از پرسشنامه موردبررسی قرار گرفت. بنابراین، با توجه به نمودار زیر، می‌توان نتیجه گرفت که به‌جز شاخص‌های سبزی‌نگی و تعلق خاطر، سایر شاخص‌ها در محله نامطلوب بوده و نیازمند ساماندهی می‌باشند.



شکل ۵- میزان مطلوبیت شاخص‌ها

در نهایت، پس از مباحثه و تحلیل یافته‌ها در یک نتیجه‌گیری کلی به نظر می‌رسد، بعد مدیریت نقش بیشتری نسبت به دیگر ابعاد پایداری داشته است. بنابراین، محله ده ونک نیازمند یک مطالعه دیگر می‌باشد که بعد مدیریت در آن مورد بررسی قرار گیرد که این مقوله در مقاله دیگری بررسی خواهد شد. در ادامه به ارائه راهکارهایی در ابعاد بررسی شده می‌پردازیم.

نمایانگر اجتماعی

- ایجاد فضای عمومی پویا در مرکز محله؛
- ایجاد و تقویت کاربری‌ها و فضاهای فرهنگی تفریحی نظیر باشگاه ورزشی، سینما و ... جهت ایجاد قرارگاه‌های رفتاری؛
- تثبیت و تقویت کاربری‌ها و فضاهای تجاری خرد و محلی و مذهبی در سطح محله جهت ایجاد تعاملات اجتماعی؛
- کف‌سازی مناسب تمامی پیاده راه‌ها و پیش‌بینی رمپ‌ها و سایر تسهیلات برای معلولین؛
- قرارگیری مبلمان و تجهیزات و اثاثیه شهری در تمام سطح و مراکز محلات برای استفاده یکسان همه افراد؛
- حل مسئله اسناد مالکیت املاک محله؛
- ایجاد همگونی اجتماعی از طریق ایجاد مساکن متنوع در سطح محله
- ایجاد کاربری‌های فعال در طول ساعات مختلف شبانه‌روز؛
- نورپردازی مناسب در شب و تقویت چشمان ناظر جهت افزایش امنیت عابران؛
- ایجاد فعالیت یا کاربری در زمین‌های بایر و بدون کاربری در جهت افزایش امنیت؛
- تقویت دید به نشانه‌های شهری و محلی جهت تقویت حس تعلق ساکنان؛

نمایانگر کارکرد

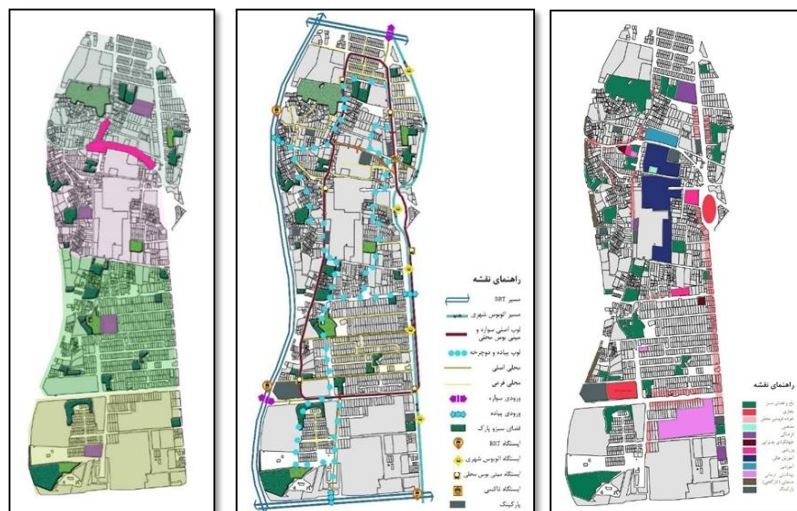
- تعریف مجدد راه‌ها از لحاظ سلسله‌مراتب دسترسی و ایجاد یکپارچگی؛
- بازنگری در کیفیت کل راه‌های ناحیه برای جلوگیری از ورود خودروی عبوری به محله؛

- ارائه برنامه‌هایی برای آرامسازی ترافیک؛
- تأمین فضای موردنیاز پارک خودرو و ساماندهی توقف خودروها از طریق ایجاد پارکینگ خدماتی برای ساکنین؛
- کاهش راه‌های ورودی و خروجی محله؛
- تقویت نقش مرکز محله و ایجاد واحدهای همسایگی و رعایت سلسله‌مراتب نظام مراکز؛
- تعریف و تقویت مسیرهای حرکت و توقف پیاده که به مرکز محله ده ونک ختم می‌شوند؛
- ایجاد فضاهای مخصوص دوچرخه‌سواری در محله؛
- گسترش استفاده از حمل‌ونقل عمومی؛
- تقویت و ایجاد کاربری‌های متنوع و جاذب جمعیت؛
- تبدیل محله به محیط فعال اقتصادی برای ساکنان از طریق استقرار فعالیت‌های سودآور اقتصادی؛
- ساماندهی کاربری‌های موجود در محله و انتقال کاربری‌های آلوده‌کننده محیط طبیعی همچون تعمیرگاه‌ها؛
- جبران کمبود فضاهای خدمات عمومی از طریق ایجاد درمانگاه عمومی و تأسیس میدان میوه و تره‌بار؛
- استفاده از زمین‌های متروکه و فاقد کاربری در جهت توزیع متناسب فعالیت‌ها در محله؛

نمایانگر زیست‌محیطی

- استفاده از مصالح بومی هماهنگ؛
- ساماندهی فضاهای سبز محله به صورت سلسله‌مراتبی و کریدورهای سبز؛
- تقویت و توسعه فضاهای سبز ورزشی و فراغتی؛
- احداث مکان‌های بازی برای کودکان و پاکت پارک‌ها با در نظر گرفتن بعد مسافت از نظر دسترسی؛
- جلوگیری از خشک شدن درختان با استفاده از استقرار منابع مخصوص جمع‌آوری آب باران در پشت‌بام‌ها و استفاده از شبکه‌ها و یا لوله‌کشی برای سرریز آن به باغچه‌ها؛
- کاهش آلودگی صوتی و هوا از طریق تقویت پوشش گیاهی در لبه‌های محله؛
- جهت صرفه‌جویی در مصرف انرژی استفاده از عناصر روشنایی LED استفاده شود؛

بر اساس اصول مطرح‌شده، برای محله ده ونک الگوهای دسترسی، کاربری و فضای سبز و باز عمومی به صورت زیر پیشنهاد شده است:



شکل ۶- به ترتیب از راست: الگوی دسترسی پیشنهادی، الگوی کاربری‌های پیشنهادی، نقشه فضاهای سبز و باز عمومی پیشنهادی.

منابع

۱. تالن، امیلی (۱۳۹۵). **بازنمودن طراحی شهری، ابزارها، شیوه‌ها و راهبردهایی برای شهروندان**، مترجم: مصطفی بهزادفر و آرمان میرزاخانی، چاپ اول، انتشارات مؤسسه علم معمار رویال، تهران.
۲. بهزاد فر، مصطفی؛ تالن، امیلی، و میرزاخانی، آرمان (۱۳۹۷). **محلّه، مورد کاوی ویژه ایران**، تهران (در دست انتشار).
۳. کریزک، کوین، و پاور، جو (۱۳۹۰). **آیین شهرسازی پایدار**، مترجم: مصطفی بهزاد فر و کیومرث حبیبی، چاپ اول، انتشارات مهر ایمان، تبریز.
۴. صمیمی شارمی، علی (۱۳۸۹). بررسی سنجش حس مکان در محلات ارگانیک و برنامه‌ریزی شده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر پروین پرتوی، رشته برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه هنر تهران، تهران.
۵. شهرداری تهران منطقه ۳ تهران (۱۳۹۵). **سند راهبردی توسعه محله ونک**، صص: ۲۶-۱.
۶. عزیزی، مهدی (۱۳۸۵). **محله مسکونی پایدار (مطالعه موردی نارمک)**، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۷، صص: ۳۵-۴۶.
۷. لینچ، کوین (۱۳۸۴). **تئوری شکل شهر**، مترجم: محمدحسین بحرینی، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۸. مفیدی شمیرانی، سید مجید، و کامران کسمایی، حدیثه (۱۳۹۵). **مسکن اجتماعی: تبلور هویت، فرهنگ پایداری**، چاپ اول، انتشارات علم معمار رویال، تهران.
۹. مطیعی، بابک؛ مهدی پور، محمود، و چناری، مجتبی (۱۳۸۹). **بررسی راهکارهای پایداری محیطی؛ نمونه موردی ده ونک تهران (با رویکرد حفظ و نگهداری درختان منطقه)**، صص: ۱۱-۱.
۱۰. مفیدی شمیرانی، مجید، و مضطرزاده، حامد (۱۳۹۲). **تدوین معیارهای ساختار محلات شهری پایدار**، نشریه باغ نظر، شماره ۲۹، صص: ۷۰-۵۹.
۱۱. مهندسان مشاور شارمند (۱۳۸۸). **نوسازی بافت فرسوده ده ونک**، سازمان نوسازی شهر تهران، نشریه اینترنتی نوسازی، شماره ۰۰۵۰۳، صص: ۱۰-۱.
۱۲. فتوحی اهل، فاطمه، و مفیدی شمیرانی، سید مجید (۱۳۹۶). **مطالعه تطبیقی نظریات پایداری اجتماعی در محله‌های مسکونی**، دومین همایش ملی مسکن ایرانی، شیراز.
13. Barton, H., 2000, **Sustainable Communities**, the Potential for Eco-Neighbourhoods, Earthscan Publications Ltd, London.
14. Bahadure, SKotharkar, R., 2017, **Framework for Measuring Sustainability of Neighbourhoods in Nagpur, India**.
15. Caves, Roger W., 2005, **Encyclopeida of the city**, this edition published in the Taylor & Francis e-Library, London and NewYork.
16. Condon, P., 2010, **Seven Rules for Sustainable Communities**, Island Press, Washington.
17. Power, A., 2004, **Sustainable Communities and Sustainable Development**, Sustainable Development Commission, London.
18. Sharifi, A., Murayama, A., 2014, **Neighborhood Sustainability Assessment in Action: Cross-Evaluation of Three Assessment Systems and Their Cases from the US, the UK, and Japan**, Build. Environ, 72, 243-258.